

ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان)

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

احدالله فتاحی* - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس

مجتبی حاجی‌پور - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان

پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۴/۳۰

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۶/۱۳

چکیده

قرن‌هاست که مردم به دنبال زندگی خوب و مناسب بوده‌اند؛ اما همواره این پرسش اصلی وجود داشته است که زندگی مطلوب چیست. در پاسخ به این پرسش، تعاریف و شاخص‌های گوناگونی - اعم از عینی و ذهنی - در مورد کیفیت زندگی مطرح شده‌اند؛ و بدین ترتیب ارائه تعریفی واحد و مورد پذیرش همگان در عرصه جهانی برای شناسایی شاخص‌های مناسب و سنجش و اندازه‌گیری آنها، خود به نوعی معضل و دشواری بدل گردیده است. باید اذعان کرد که کیفیت زندگی، به شدت از عوامل زمان و مکان تأثیر می‌پذیرد و مؤلفه‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده آن با توجه به دوره زمانی و مکان جغرافیایی و سطوح توسعه‌یافتگی متفاوت خواهند بود. با این توصیف، تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست که کیفیت زندگی از نظر جامعه نمونه چگونه است؛ و آیا توزیع فضایی می‌تواند بر کیفیت زندگی تأثیر نهد یا نه. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از عملیات میدانی، از دو روش آمار توصیفی و استنباطی (آزمون t، تحلیل واریانس) استفاده شده، و سپس نرم‌افزار GIS برای نشان دادن توزیع فضایی به کار رفته است. جامعه آماری در این پژوهش، مجموعه روستاهای بخش مرکزی شهرستان دلفان است با جمعیت ۸۱۰۳۹ نفر در قالب ۱۲۴۵۱ خانوار. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که براساس تخصیص متناسب ۲۱ روستا انتخاب شده است. برای تکمیل پرسشنامه‌ها ۳۱۵ نفر از سرپرستان خانوارها به عنوان جامعه نمونه در نظر گرفته شدند. براساس دیدگاه‌های جامعه نمونه، می‌توان کیفیت آموزش، محیط مسکونی و محیط فیزیکی، سلامت و امنیت، و نیز درآمد و اشتغال را پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی کرد؛ و کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی را در حد متوسط دانست.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان از آن دارند که در روستاهای بخش مرکزی شهرستان دلفان در تمام مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی به لحاظ موقعیت مکانی و بعد فاصله، می‌توان تفاوت معناداری را مشاهده کرد. این به گونه‌ای است که ساکنان روستاهای دشتی رضایتمندی بیشتری از مؤلفه‌های مذکور داشته‌اند، و پس از آنان مردم ساکن در روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی جای می‌گیرند. دیگر اینکه به لحاظ بعد فاصله، جز مؤلفه اقتصادی که تفاوت معناداری نداشت، تفاوت در دیگر مؤلفه‌ها (کیفیت محیطی، کالبدی و اجتماعی) معنادار بود.

کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی، شاخص‌های ذهنی و عینی، توزیع فضایی کیفیت زندگی، بخش مرکزی شهرستان دلفان.

مقدمه

کیفیت زندگی مفهومی جدید و نوپا نیست. بلکه در فلسفه یونان نیز وجود داشته و ارسطو در مبحث شادکامی بدان اشاره کرده است. در دوران جدید کسانی چون کی‌یر کگارد^۱، ژان پل سارتر، مازلو^۲ و دیگران در بحث دربارهٔ حالت‌های درونی اشخاص به آن توجه کرده‌اند. آنچه بدیهی می‌نماید این است که در علوم مختلف بنا به ابعاد و ماهیت متفاوت این واژه، تعابیر گوناگونی برای کیفیت زندگی به کار رفته است. به عنوان مثال، اقتصاددانان مفهوم مطلوبیت را به جای کیفیت زندگی به کار می‌گیرند و یا روان‌شناسان از اصطلاحات رضایتمندی یا شادکامی استفاده می‌کنند. حیطة مربوط به کیفیت زندگی و سنجش آن چه بسا در هیچ زمانی به اندازه امروز وسیع نبوده است. در سه دههٔ گذشته تلاش‌های زیادی برای سنجش کیفیت زندگی در نقاط مختلف دنیا صورت گرفته است و پژوهشگران، کارگزاری‌ها یا بنگاه‌های دولتی، رسانه‌های گروهی و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی شاخص‌های گوناگونی را بدین منظور مطرح و پیشنهاد کرده‌اند؛ ولی به نظر می‌رسد که معایب و مزایای هر یک از این شاخص‌ها با روش مشخص و معینی ارزیابی نشده‌اند. به عنوان مثال به طور سنتی در گذشته‌ای نه چندان دور، همواره از سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به عنوان یگانه شاخص قابل اعتماد به‌زیستی و توسعه اقتصادی استفاده می‌شد، اما به هر حال در این خصوص وفاق گسترده‌ای هم وجود

1. Kierkegaard

2. Maslow

داشت که با افزایش تولید ناخالص داخلی لزوماً کیفیت زندگی مردم ارتقا نخواهد یافت. حتی واکنش‌هایی نیز در دهه ۱۹۷۰ در مقابل پیامدهای رشد اقتصادی شکل گرفت. بنابراین به دلیل همین واکنش‌ها و ضعف سنجه‌های مرتبط با درآمد، تلاش‌هایی برای مفهوم‌سازی جدید و شناسایی سنجه‌های جایگزین صورت گرفت. در دهه ۱۹۶۰ آدلمن و در دهه ۱۹۷۰ موریس به بررسی معرف‌های اقتصادی-اجتماعی متعددی پرداختند. موریس در سال ۱۹۷۹ شاخص فیزیکی کیفیت زندگی^۱ را به عنوان جایگزین برای سرانه تولید ناخالص داخلی، به منظور سنجش کیفیت زندگی مطرح کرد. شاخص فیزیکی زندگی شامل معرف‌های امید به زندگی در یک سالگی، نرخ مرگ و میر نوزادان و نرخ باسوادان بوده است (خوارزمی، ۱۳۸۴، ۴).

به دنبال این تأکیدات، داسکوپتا و ویل در سال ۱۹۹۲ سنجه‌ای از کیفیت زندگی را ارائه کردند که به وسیله معرف‌های درآمد سرانه، امید به زندگی در زمان تولد، نرخ باسوادی افراد بالغ و معرف‌های حقوقی-سیاسی همچون آزادی‌های مدنی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت (اونق، ۱۳۸۴، ۳۰). به هر حال در زمان حاضر یکی از معروف‌ترین سنجه‌های کیفیت زندگی، شاخص توسعه انسانی^۲ (HDI) است که سازمان ملل در گزارش‌های توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ به بعد از آن استفاده کرده است. شاخص توسعه انسانی به کمک سه معرف امید به زندگی در زمان تولد، موفقیت تحصیلی و سرانه واقعی، تولید ناخالص داخلی را در کشورهای مختلف ارزیابی می‌کند. در سال ۱۹۹۸ لارس ایسبرگ و اندریوشارپ نیز سنجه دیگری را با نام شاخص رفاه اقتصادی^۳ ارائه کرده‌اند. این شاخص به کمک معرف‌هایی چون جریان‌های مصرف، تراکم سهام، نابرابری در توزیع درآمد و ناامنی و بی‌اعتمادی در تأمین درآمدهای آینده، به ارزیابی کیفیت زندگی مردم می‌پردازد (اونق، ۱۳۸۴، ۳۳). هر چند که ارتقای کیفیت زندگی^۴ در مقیاس‌های فردی و اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان بوده، اما در

1. Physical Quality of Life Index (PQL)
2. Human Development Index (HDI)
3. Index of Economic Well-Being (IE WB)
4. Quality of Life

دهه‌های اخیر و با اولویت یافتن هدف اجتماعی توسعه و تدوین آنها در قالب برنامه‌های توسعه، به تدریج نگرش انسانی و جامعه‌شناختی درباره کیفیت زندگی در نوشتارهای توسعه و همچنین برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است. با گسترش رویکرد انسانی و ورود مفهوم کیفیت زندگی در نوشتارهای توسعه پایدار و برنامه توسعه اجتماعی و محیطی و اقتصادی جدید، تا کنون مراکز و مؤسسات بسیاری به مطالعه و بررسی مفهوم کیفیت زندگی، شاخص‌های سنجش و چگونگی ارتقای آن پرداخته‌اند (Massam, 2002, 165) و امید، ۱۳۸۷، ۴).

افزون بر اینها، جغرافی دانان و برنامه‌ریزان، محیطها و مکان‌های مطلوب و دارای کیفیت مطلوب را، همچون روستاهای سالم، خانه‌های سالم و زیست‌بوم‌های روستایی^۱ مورد توجه قرار می‌دهند؛ ولی وجه مشترک این دیدگاه‌ها را می‌توان چنین بیان کرد که کیفیت زندگی به عنوان اصطلاحی کلی، مفهومی برای نشان دادن چگونگی برآورده شدن نیازهای انسانی و نیز معیاری برای ادراک رضایت یا نارضایتی افراد و گروه‌ها از ابعاد مختلف زندگی در سکونتگاه‌هاست. در واقع می‌توان گفت که در تحقیقات و مطالعات اخیر کیفیت زندگی، عموماً بر دو روش تأکید شده است.

در روش نخست، به شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و محیطی قابل سنجش برای انعکاس میزان برآورده شدن نیازهای انسانی تأکید می‌شود؛ و در روش دوم، سطوح شادکامی و رضایتمندی، آن هم معمولاً براساس گزارش‌های شخصی افراد از تجارب زندگی در فضاهای زیستی مورد تأکید قرار می‌گیرد، که به آن بهزیستی ذهنی می‌گویند (کوکبی و تقوایی، ۱۳۸۴، ۱۰). اما آنچه که اصطلاحاً اندازه‌های عینی کیفیت زندگی نامیده می‌شوند، عموماً بر شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی متمرکزند. این در حالی است که اندازه‌های ذهنی کیفیت زندگی، تمرکزشان بر گزارش‌های شخصی افراد از تجارب زندگی است، و همین‌ها

1. Eco Village

مکمل شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و اکولوژیکی‌اند. باید اذعان کرد که کیفیت زندگی به شدت از زمان و مکان تأثیر می‌پذیرد و مؤلفه‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده آن با توجه به دوره زمانی یا مکان جغرافیایی و سطوح توسعه‌یافتگی، متفاوت خواهند بود (Bullock, 2004, 25). در این مقاله تلاش می‌شود تا با مطالعه و بررسی نوشتارهای مرتبط با کیفیت زندگی، به ارزیابی شاخص‌های این کیفیت در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان دلفان بپردازد و سپس مشخص کند که آیا توزیع فضایی روستاها بر کیفیت زندگی آنها مؤثر است یا نه. در واقع بهتر است که شاخص‌های عینی و ذهنی با هم درآمیخته گردند. شاخص‌های ذهنی این امکان را فراهم می‌سازند که بینشی از رضایت هر فرد و هر چیزی که برای مردم رضایت‌بخش است به دست آورد؛ و شاخص‌های عینی برای سنجش ابعادی از محیط که جز با شاخص‌های عینی دشوار بتوان آنها را برسنجید، به کار می‌آیند (Kamp et al., 2003, 11).

مبانی نظری تبیین‌کننده کیفیت زندگی

محققان بر این باورند که اصطلاح کیفیت زندگی، مانند مفهوم توسعه، تا اندازه‌ای مبهم است. از یک سو کیفیت زندگی فردی به عنوان پنداشتی از چگونگی گذران فرد مطرح می‌شود، و از بعدی کلی‌تر دربرگیرنده موقعیت‌های زندگی در مکان‌های مختلف حول عاملی مشخص‌اند، و موقعیت‌ها عبارت‌اند از محیط پیرامونی و یا فرهنگ در جامعه‌ای معین (Pal, 2005, 217). به گفته کالمن^۱ در سال ۱۹۸۴، کیفیت زندگی به مفهوم گستردگی و انبساط آرزوست که ریشه در تجارب زندگی دارد. وینستد^۲ (۱۹۸۵) معتقد است که کیفیت زندگی مفهومی بسیار ذهنی و شخصی است که معمولاً بر پایه خوشحالی و رضایت فرد با عواملی که بر رفاه اجتماعی، روانی، جسمی و عملکرد وی تأثیر می‌نهد بنا می‌شود. زان^۳ (۱۹۹۲) کیفیت زندگی را درجه و میزان رضایت در تجارب زندگی فرد می‌داند. به عقیده او، کیفیت زندگی مشتمل بر رضایت از

1. Kalman
2. Winsted
3. Zan

زندگی در تصور از خود و فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی و اکولوژیکی است. گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۵) تعریف کیفیت زندگی را این گونه برمی‌شمارد: ادراک افراد از موقعیت‌شان در زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، آن هم با توجه به اهداف، انتظارات، استانداردها و علایق‌شان. به بیان دیگر، رضایت از زندگی به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأکید قرار می‌گیرد. میلز^۱ (۱۹۸۵) نشان می‌دهد که اصطلاح کیفیت زندگی معمولاً یا به عنوان برآوردهای ذهنی رضایتمندی و بهزیستی توصیف می‌شود، و یا به عنوان مجموعه‌ای از ستانده‌های اقتصادی و اجتماعی و محیطی که افراد یا گروه‌ها به دست می‌آورند.

نوع سومی از کیفیت زندگی را نیز می‌توان مورد توجه قرار داد، که این کیفیت به عنوان مفهومی عینی و ذهنی مورد بررسی قرار می‌گیرد و صرفاً هم بر ستانده‌های اقتصادی و اجتماعی و محیطی متمرکز نیست بلکه دستاوردهای سیاست‌ها و تأثیری که افراد از آنها می‌پذیرند نیز در کانون تمرکز آن قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، در همایش اسکاپ (۱۹۹۸) که رویکردی رفاهی در پیش گرفته شد، کیفیت زندگی معادل با ریشه‌کنی فقر و بهبود استانداردهای زندگی تعریف گردید. در این رویکرد در واقع انسان‌ها محور توسعه قرار می‌گیرند. دیوید فیلیپس^۲ در تعریفی جامع، کیفیت زندگی را در ابعادی فردی و جمعی مورد بررسی قرار می‌دهد که سطح فردی آن مؤلفه‌های عینی و ذهنی را دربرمی‌گیرد (Phillips, 2006, 242). به اعتقاد پال (۲۰۰۵)، کیفیت زندگی نشان‌دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی و محیطی مناطق است و می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به کار رود. لذا هدف غایی مطالعه کیفیت زندگی و کاربرد متعاقب آن، بدین منظور است که مردم توان بهره‌مندی از زندگی‌ای با کیفیت مطلوب را داشته باشند، به طوری که این زندگی علاوه بر هدفمندی لذت‌بخش هم باشد (Allen, Vogt and Cordes, 2002, 14).

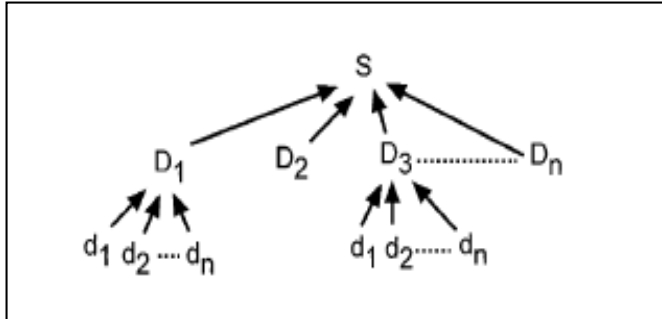
1. Milz

2. David Phillips

همان‌گونه که ملاحظه شد، منابع مکتوب مربوط به کیفیت زندگی نشان از آن دارد که در خصوص مفهوم کیفیت زندگی، تعاریف متعددی وجود دارد. این امر می‌تواند ناشی از ۳ عامل مختلف باشد: یکی چندبعدی بودن این مفهوم است؛ دیگری کاربرد آن در حوزه‌های حرفه‌ای متفاوتی چون پزشکی، روان‌شناسی، جغرافیای انسانی، برنامه‌ریزی و توسعه، اقتصاد و جامعه‌شناسی؛ و در نهایت سطح تحلیل که می‌تواند مربوط به عاملان، فرایندها، موقعیت‌ها و یا ساختارها باشد (امیدی، ۱۳۸۶، ۷).

با توجه به آنچه که ذکر شد، می‌توان گفت که در زمان حاضر اتفاق نظر چندانی در زمینه مفهوم کیفیت زندگی وجود ندارد؛ ولی اگر مشترکات این تعاریف مدنظر قرار گیرند، در آن صورت می‌توان گفت که کیفیت زندگی عبارت است از شرایط بهتر زندگی که در آن توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه در مکان‌های زیست نهادینه شده باشد؛ و یا زمینه‌های لازم برای زندگی همراه با سلامت، امنیت، آسایش، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی پدید آمده باشد. اما آنچه که مسلم و بدیهی می‌نماید، این است که بسیاری از محققان، نیاز توأم به هر دو دسته از شاخص‌های عینی و ذهنی را برای ارزیابی کیفیت زندگی خاطر نشان کرده‌اند. شاخص‌های عینی براساس فراوانی یا کمیت فیزیکی - مانند درآمد - اندازه‌گیری می‌شوند؛ اما شاخص‌های ذهنی براساس پاسخ‌های روانی مانند رضایت شغلی و خوشحالی در میان دیگران مورد اندازه‌گیری و سنجش قرار می‌گیرند (خوارزمی، ۱۳۸۳، ۴).

تشخیص علایق زندگی و چگونگی روابط بین آنها، که می‌تواند برای پیش‌بینی احساس مردم به کیفیت زندگی‌شان به کار رود، می‌بایست در چارچوب الگویی فکری صورت گیرد. الگوها یا مدل‌های ساختاری گوناگونی برای تشریح این موضوع که چگونه افراد قلمروهای مختلف رضایتمندی را برای احساس کلی از کیفیت زندگی با هم درمی‌آمیزند، مطرح و پیشنهاد شده است (کرد زنگنه، ۱۳۸۵، ۲۰). ساده‌ترین مدل نشان می‌دهد که کیفیت زندگی به طور کلی مجموع وزن معینی از رضایت در قلمروها و جنبه‌های مختلف زندگی است (رضوانی و منصورى ۱۳۸۷، ۱۱، به نقل از Pacione, 2003).



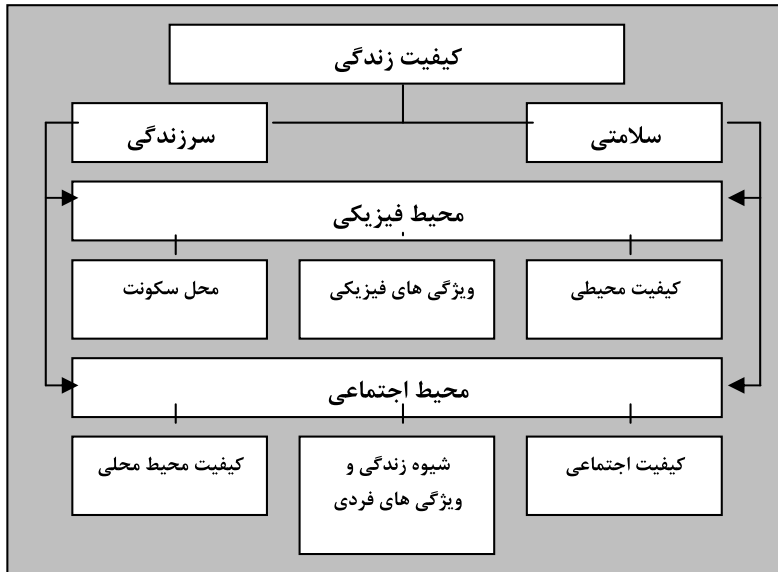
S = کیفیت کلی زندگی D = رضایت در قلمرو مورد نظر d = رضایت در زیرقلمرو مورد نظر

شکل ۱. ساده‌ترین مدل ساختاری کیفیت زندگی

مشکل اساسی در این روش، تعداد قلمروهای مختلف زندگی و ویژگی‌های مطلوب آنهاست. هاگرتی^۱ و همکارانش در سال ۲۰۰۱ اظهار داشتند که هفت قلمرو- شامل روابط با خانواده، بهزیستی عاطفی، بهزیستی مادی، سلامت، کار و فعالیت مولد، احساس بخشی از اجتماع بودن و امنیت شخصی- می‌توانند به طور مناسب و مطلوبی در فضای کیفیت زندگی را پوشش دهند. بر این مبنای، ریم در سال ۲۰۰۰ مدلی را به عنوان عناصر اساسی کیفیت زندگی، سلامتی و محیط زندگی مطابق شکل ۲ ارائه کرده است. در این مدل سلامتی و سرزندگی به موازات هم و به عنوان دو بعد اصلی کیفیت زندگی در نظر گرفته شده‌اند. این مدل ترکیبی از ابعاد قابل اندازه‌گیری فضایی و فیزیکی و اجتماعی از محیط و درک صحیح از آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. این درک فقط مرتبط با ویژگی‌های عینی از محیط نیست بلکه جنبه‌های شخصی و زمینه‌ای را نیز شامل می‌شود. با این حال، مدل یا الگوی حاضر نمی‌تواند به درستی مشخص

1. Hagerty

سازد که چگونه عناصر مختلف با هم مرتبط‌اند بلکه تنها لایه‌هایی از موضوعات مختلف را که با یکدیگر ارتباط دارند، نشان می‌دهد (Kemp et al., 2003, 12-15).



شکل ۲. عناصر اساسی کیفیت زندگی

منبع: Kemp et al., 2003

رویکردهای نظری و شاخص‌های مورد توجه در کیفیت زندگی

رویکردهای مربوط به کیفیت زندگی را می‌توان در تقسیم بندی کلی، در دو دسته توصیفی و تبیینی جای داد. در رویکردهای توصیفی رابطه کیفیت زندگی با متغیرهایی چون جنس و سن و سواد بررسی می‌گردد و موضوع محوری آنها، سنجش کیفیت زندگی براساس متغیرهای زمینه‌ای است. اما رویکردهای تبیینی معطوف به شناخت عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی - اعم از عوامل عینی و ذهنی - هستند، و خود به دو دسته عاملیت‌گرا و ساختارگرا تفکیک می‌شوند. در جدول ۱ ویژگی‌های راهبردی و مفاهیم اصلی هر کدام از رویکردها نشان داده شده‌اند.

جدول ۱. رویکردهای کیفیت زندگی

مفاهیم اصلی رویکرد	ویژگی‌های راهبردی	رویکردها
فردگرایی روان‌شناختی	- بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد است، و نه شرایط ساختاری، اجتماعی و محیط پیرامونی	عاملیت‌گرایی
اصل سودمندی - اصل انتخاب	انتخاب امکانات و گزینه‌هایی که فراوان‌ترین لذت را برای بیشترین افراد ایجاد کند - بیشتر معطوف به چگونگی به حداکثر رساندن بهره و خیر عمومی معطوف است - به جای تحمیل ارزش‌های جامعه به هر فرد اجازه می‌دهد که به انتخاب‌های خاص خود بپردازد.	مطلوبیت‌گرایی
تأکید بر ارزش‌های انتزاعی و امور غیرواقعی - تأکید بر جنبه عمومی ارزش‌ها	فراهم آوردن این امکان که زندگی خوب چگونه است و چگونه می‌تواند بهتر شود - هدفمند ساختن و سمت و سو بخشیدن به زندگی انسان - نشان دادن نمایی کلی از عوامل تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی	ارزش‌های عام
تأکید بر ارزش‌ها و امور واقعی - تمرکز بر کالا و خدمات	تأکید بر تأمین نیازهای اولیه و اساسی مانند تغذیه، مسکن و بهداشت - مناسب بودن برای سنجش کیفیت زندگی اولیه در کشورهای بسیار محروم - مفهومی کامل و فراگیر را از کیفیت زندگی ارائه نمی‌دهد.	نیازهای اساسی
مردم‌گرا بودن توسعه	هدف اصلی در این رویکرد بهزیستی انسان است و انسان فعل و منبع اصلی توسعه به شمار می‌آید - حوزه‌های مورد مطالعه این رویکرد بیشتر آموزش، بهداشت و اشتغال است.	نیازمحور انسانی
مکمل بودن نیازها - آزادی انتخاب و تصمیم‌گیری	شاخص اصلی در این رویکرد، امید به زندگی است - تأمین نیازها در واقع پیش‌نیاز مشارکت در تأمین اجتماعی است - همه افراد دارای حق مسلم در تأمین نیازهای‌شان هستند.	نیازهای انسانی
تأکید بر مفهوم‌سازی کیفیت زندگی - تأکید بر توانایی افراد در دستیابی به کارکردهای مورد نظر.	محور اصلی این رویکرد، تأکید بر مجموعه قابلیت‌هایی است که شخص توان آن را دارد، یا باید داشته باشد - گسترش آزادی، چه به عنوان هدف اولیه و چه به مثابه ابزار اصلی توسعه، باید در نظر گرفته شود. در این رویکرد در ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها، به جای متمرکز شدن صرف بر وضعیت ذهنی افراد بر آنچه که اینان می‌توانند انجام دهند تمرکز می‌گردد.	رویکرد قابلیت‌ی
کلیت‌گرایی و فراگیر بودن کیفیت زندگی	مفهومی کامل و فراگیر را از کیفیت زندگی ارائه می‌کند که تمام حوزه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی را در بر می‌گیرد - کیفیت زندگی در معنای واقعی نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط یا پیوندهای مشترک اجتماعی باشد - تأکید بر اینکه کیفیت زندگی فراتر از مفهوم فرایندها و دستاوردها و تحقق فردی است.	رویکردهای ساختارگرا

منبع: امیدی، غفاری، ابراهیمی، هی وود و Auh (۲۰۰۵م)، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ (ش).

مطالعات حاکی از آن‌اند که هر یک از متخصصان برای اندازه‌گیری یا سنجش کیفیت زندگی از شاخص‌هایی استفاده کرده است؛ به طور کلی و با توجه به مطالعات جهانی و در نظر گرفتن ساختار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، می‌توان شاخص‌های کلی درج شده در جدول ۲ را برای سنجش کیفیت زندگی روستاییان ارائه کرد.

جدول ۲. شاخص‌های کیفیت زندگی

توصیف‌گرها	شاخص‌ها	
تأمین حداقل نیازهای اقتصادی مردم، ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضای کالاها، هزینه درآمد و اشتغال	اقتصادی	۱
مسائل زیست‌محیطی، دفع زباله و پسماندها، فاضلاب‌های خانگی، خطرهای طبیعی مانند سیل و زلزله	زیست‌محیطی	۲
آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی، امکانات رفاهی، داشتن امنیت جسمی و روحی	اجتماعی	۳
مسکن‌های دارای برق، آب آشامیدنی سالم، تلفن، راه	زیرساخت‌ها و تأسیسات	۴
کیفیت کالبدی مسکن، کیفیت ساخت‌وساز مسکن، مصالح و قوانین مربوط به سطح کیفی مسکن، توجه به تعداد خانوار و ابعاد مناسب مسکن متناسب با تعداد افراد، فرهنگ ساکنان و ابعاد فردی و اجتماعی خانوارهای ساکن	مسکن و سرپناه	۵
داشتن سرگرمی‌های مناسب، مسافرت، دید و بازدید از اقوام	تفریح و سلامت	۶

مواد و روش‌ها

در تحقیق حاضر به منظور ارزیابی مهم‌ترین زمینه‌های مرتبط با کیفیت زندگی، شامل شاخص‌های ذهنی کیفیت آموزش، سلامت و امنیت، محیط مسکونی، محیط و زیرساخت‌ها، اشتغال و درآمد و نیز کیفیت گذران اوقات فراغت از دید جامعه نمونه مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته‌اند. روش تحقیق از نوع توصیفی- تحلیلی است. جامعه آماری در این پژوهش روستاییان روستاهای بخش مرکزی شهرستان دلفان‌اند، مشتمل بر ۶ دهستان که به صورت کوهستانی و کوهپایه‌ای و دشتی استقرار یافته‌اند. جمعیت کل روستاهای این بخش ۸۱۰۳۹ نفر یا ۱۲۴۵۱ خانوار است. بخش مرکزی شهرستان دلفان با مساحت ۱۱۵۱ کیلومتر مربع با ۶ دهستان در ۳۳ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی و ۴۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی بخش مرکزی شهرستان دلفان استان لرستان است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است.

براساس تخصیص متناسب نسبت به تعداد روستاهای دارای سکنه در هر دهستان تعدادی روستاهای نمونه انتخاب شدند، که در مجموع از ۲۱۹ روستای دارای سکنه، ۲۱ روستا براساس تخصیص متناسب به عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. لازم به ذکر است که روستاهای انتخاب شده روستاهایی هستند که جمعیت آنها بیشتر از ۵۰ خانوار است. برای تکمیل پرسشنامه‌ها نیز در هر روستای نمونه به طور برابر ۱۵ نفر از سرپرستان خانوارها در نظر گرفته شدند که چون واحد تحلیل تحقیق حاضر سرپرست خانوارهای جامعه آماری است، در مجموع برای انجام تحقیق ۳۱۵ نفر به عنوان جامعه نمونه از سرپرست‌های خانوار ۲۱ روستا که به صورت سه وضعیت دشتی و کوهپایه‌ای و کوهستانی است انتخاب شدند.

پرسشنامه مورد استفاده، از پرسش‌های بسته با طیف لیکرت ۳ مقیاسی (مناسب، تا حدودی مناسب و نامناسب) تشکیل شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از عملیات میدانی از دو روش آمار توصیفی و استنباطی (آزمون t ، تحلیل واریانس) استفاده شده است. بر این اساس به منظور مقایسه میانگین هر یک از ابعاد کیفیت زندگی بر مبنای تعداد

گویه‌ها، حد متوسط به عنوان نقطه مبنا برای ارزش‌یابی کیفیت زندگی در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال برای محاسبه حد متوسط مؤلفه آموزش که دارای ۹ گویه در طیف ۳ ارزشی است، حد متوسط نمرات برابر ۱۸ در نظر گرفته شده است. بدیهی است با توجه به جهت هر یک از گویه‌ها، نمره‌های بالاتر از حد متوسط شرایط مناسب‌تر کیفیت زندگی را نشان می‌دهند. همچنین به منظور پاسخگویی به پرسش دوم که آیا توزیع فضایی بر کیفیت زندگی مؤثر است، از تحلیل واریانس یک‌طرفه با فرض نرمال بودن و برابری واریانس‌ها برای مقایسه ابعاد در سطح روستاهای نمونه بهره گرفته شده است. سپس نرم‌افزار GIS برای نشان دادن توزیع فضایی به کار رفته است.

همچنین بر مبنای چارچوب نظری در این مطالعه به منظور عملیاتی کردن متغیرها به طرح گویه‌های با طیف لیکرت مرتبط با هر یک از متغیرها پرداخته شده است. در این زمینه تلاش شده است تا گویه‌های مورد نظر به گونه‌ای طراحی شوند تا ضمن تأمین روایی و پایایی لازم به لحاظ آماری، دیدگاه‌های کارشناسان نیز مورد توجه قرار گیرند تا به بهترین نحو پاسخ لازم برای پرسش‌ها فراهم آید. سپس پرسشنامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی پر شد و با بررسی پاسخ‌های به دست آمده از ۳۰ پرسشنامه و انجام محاسبات آماری مناسب، پرسشنامه نهایی تنظیم گردید.

در تحقیق حاضر برای افزایش روایی از روش و تکنیک روایی محتوایی و صوری استفاده شده است که این مرحله با قضاوت متخصصان (استادان دانشگاه) درباره پرسش‌های تحقیق برای مشخص کردن اینکه پرسش‌ها از نظر محتوایی و صوری تا چه میزانی معرف محتوا و هدف‌های پژوهش‌اند، انجام گرفته است. همچنین به منظور سنجش پایانی ابزار تحقیقی از آلفای کرونباخ استفاده شد، که مقادیر آن برای هر قلمرو به صورت جداگانه در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. تعریف عملیاتی متغیرهای نظری

ضریب پایایی کرونباخ	تعداد گویه	گویه‌ها	شاخص‌ها	ابعاد کیفیت زندگی
۰/۶۶۲	۹	مدارس نوساز و با کیفیت مناسب، دسترسی آسان با زمان کم کودکان و نوجوانان به مدارس، معلمان خوب و باتجربه، مدارس با تجهیزات آزمایشگاهی مناسب	کیفیت آموزش	اجتماعی
۰/۷۰۷	۷	مصرف هفتگی مواد پروتئینی (گوشت و ماهی) در برنامه غذایی، مصرف هفتگی میوه و سبزیجات در برنامه غذایی، بهره‌مندی از خدمات درمانی و بهداشتی (خانه بهداشت، درمانگاه، حمام، و جز اینها)، دسترسی به پاسگاه پلیس در لحظات اضطراری، وجود اتحاد و انسجام و عدم نزاع و کشمکش میان ساکنان، امنیت در شب، و فقدان هرگونه خطر در هنگام رفت و آمد ساکنان.	کیفیت سلامت و امنیت	
۰/۷۴۲	۴	امکانات مناسب ورزشی در روستا، امکانات مناسب فرهنگی و هنری (کتابخانه) در روستا، توان انجام مسافرت سالانه به همراه خانواده	کیفیت اوقات فراغت	
۰/۸۶۵	۷	داشتن روحیه کار گروهی و کمک به همدیگر در فصل کار، وجود روابط صمیمانه میان خانواده‌ها و همسایگان، پایبندی به آداب و رسوم که در روستا وجود دارد- مانند دید و بازدید در ایام عید، شرکت ساکنان در مراسم اهالی روستا، شرکت ساکنان در مراسم عزاداری روستا، مشورت کردن اهالی روستا با همدیگر در مواقع لزوم و اهمیت قائل شدن برای دیدگاه‌های یکدیگر	کیفیت تعامل و همبستگی	

۰/۷۱۲	۹	خانه‌های نوساز و بادوام و باکیفیت مناسب، واحدهای مسکونی با تسهیلات مناسب (سیستم گرمایشی، سیستم سرمایشی، سرویس بهداشتی، حمام)، به کارگیری مواد و مصالح مقاوم در ساخت واحدهای مسکونی، مسکن‌های دارای نورگیری و روشنایی کافی، وضعیت منزل از نظر وجود حیوانات مودی مانند موش، سوسک، ساس، کک و دیگر حیوانات مودی	کیفیت محیط مسکونی	
۰/۷۱۶	۱۲	راه ارتباطی مناسب، دسترسی به وسایل حمل‌ونقل مناسب، طی کردن فاصله زمانی محدود برای دسترسی شهر به آب آشامیدنی سالم، از جایگاه توزیع مواد سوختی، دسترسی به خدمات مالی و اعتباری (بانک، وام، صندوق قرض‌الحسنه)، وضعیت روستا از لحاظ آنتن‌دهی رادیو و تلویزیون، و وضعیت روستا از لحاظ شبکه دفع فاضلاب.	کیفیت زیرساخت‌ها	کالبدی
۰/۸۵۹	۹	جایگاه دفن زباله، روش‌های بهداشتی جمع‌آوری و دفع فاضلاب، نساختن خانه‌ها در اراضی شیب‌دار و خطرناک، قرار نگرفتن واحدهای مسکونی در حریم سیلاب‌ها و رودخانه‌ها، اتلاف و آلودگی منابع آب، و تخریب و فرسایش خاک	کیفیت محیطی	محیطی
۰/۸۶۵	۱۱	درآمد مناسب، پس‌انداز سالیانه، تأمین نیازهای اولیه زندگی (غذا، پوشاک و جز آن)، میزان درآمد از فعالیت‌های کشاورزی، وضعیت اراضی به لحاظ حاصلخیزی برای انجام فعالیت‌های کشاورزی، وضعیت اهالی روستا در استفاده از وسایل مکانیزه زراعی (تراکتور، کمباین)، وضعیت راندمان تولید در واحد سطح، و وضعیت جسمی برای انجام فعالیت‌های کشاورزی	کیفیت اشتغال و درآمد	اقتصادی
-	۶۸	کل		

جدول ۴. روستاهای مورد مطالعه بخش مرکزی شهرستان دلفان

نام دهستان	نام روستا	تعداد خانوار	جمعیت (نفر)
نورآباد	سراب احمدوند	۱۴۳	۶۷۱
	رضاآباد	۶۱	۲۶۶
	ظفرآباد	۱۶۹	۷۱۶
	شکرآباد	۵۷	۲۴۷
خاوه جنوبی	تاج امیر	۲۰۷	۸۲۹
	محمد میرزا	۱۱۱	۵۸۶
	بگوری	۶۲	۳۰۳
	عبدالحسینی	۹۹	۴۷۶
میربگ شمالی	فرهادآباد	۳۲۱	۱۵۶۸
	شهن آباد	۲۸۶	۱۳۸۵
	نصرت‌آبادعلیا	۴۴	۲۱۰
نورعلی	ده فیروزوند	۲۹	۱۰۸
	گلام بهری	۲۴۱	۱۰۴۸
	حسن آباد سنجابی	۱۱۲	۵۵۳
میربگ جنوبی	فاضل آباد	۶۰	۲۷۳
	میرزاآباد	۱۷۲	۸۳۶
	مله‌خان	۱۸۱	۷۹۴
	یوسف‌آباد چم‌چال	۲۷	۱۲۸
خاوه شمالی	کرم‌اللهی	۴۶	۶۰۰
	زلیوار	۱۱۴	۵۱۸
	سراب غضنفر	۴۲۴	۱۸۷۴
جمع کل	۲۱	۲۸۶۶	۱۳۹۸۹

یافته‌های تحقیق

برای دستیابی به یافته‌ها، ابتدا با آزمون T تک‌نمونه‌ای به سنجش کیفیت زندگی به لحاظ ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی، کالبدی و محیطی پرداخته شد و سپس برای سنجش توزیع فضایی کیفیت زندگی، آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه مورد استفاده قرار گرفت. همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد که در کلیه مؤلفه‌ها، به‌جز کیفیت تعامل و همبستگی که بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده‌اند، در بقیه مؤلفه‌ها (سلامت و امنیت، زیرساخت‌ها، اوقات فراغت، آموزش، سلامت و امنیت، اشتغال و درآمد، محیط مسکونی و کیفیت محیطی) شرایط کیفیت زندگی جامعه نمونه کمتر از حد متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۵. سطح معناداری ارزیابی ساکنان از متغیرهای موثر بر کیفیت زندگی

حد متوسط	سطح معناداری	میانگین	آماره T	مؤلفه	ابعاد
۱۸	۰/۰۰۰	۱۷/۱۸۷	-۴/۶۸۸	آموزش	اجتماعی
۱۴	۰/۰۰۰	۱۳/۴۰۰	-۳/۸۸۰	سلامت امنیت	
۸	۰/۰۰۰	۷/۵۵۵	-۴/۴۱۸	اوقات فراغت	
۱۴	۰/۰۰۰	۱۹/۰۱۵۹	۲۲/۹۸	تعامل و همبستگی	
۲۲	۰/۰۰۰	۱۸/۶۵۰	-۱۵/۵۵۰	اشتغال و درآمد	اقتصادی
۱۸	۰/۰۰۰	۱۷/۶۴۴	۳/۱۳۵	محیط مسکونی	کالبدی
۲۴	۰/۰۰۰	۲۲/۲۳۴	-۶/۶۷۵	زیرساخت‌ها	
۱۸	۰/۰۰۰	۱۶/۸۶۹	-۶/۹۵۰	کیفیت محیطی	محیطی

براساس مقایسه تطبیقی روستاهای نمونه، همان‌گونه که جدول ۶ نشان می‌دهد، می‌توان پذیرفت که در روستاهای بخش مرکزی شهرستان دلفان در تمام ابعاد کیفیت زندگی به لحاظ موقعیت مکانی تفاوت معناداری را می‌توان مشاهده کرد.

جدول ۶. تحلیل واریانس تفاوت ابعاد کیفیت زندگی روستاها بر اساس موقعیت مکانی

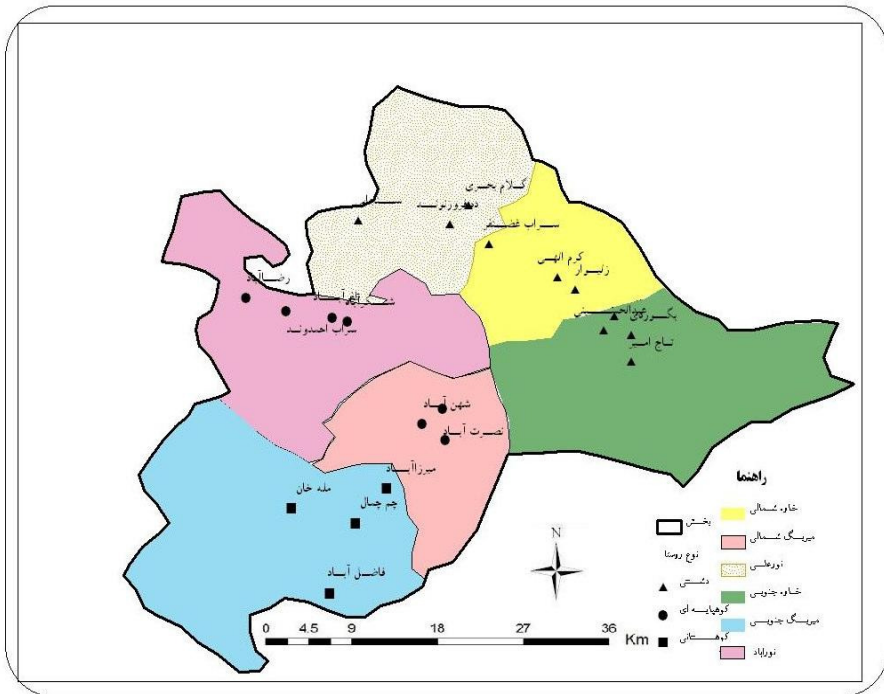
ابعاد	سطح معناداری	جمع مجذورات		میانگین مجذورات	
		درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی
کالبدی	۰/۰۰۰	۸۵۵۳/۱۶۰	۷۴۸۸/۲۶۵	۲۷/۴۱۴	۳۷۴۴/۱۲۸
محیطی	۰/۰۱۷	۲۵۴۸/۳۹۶	۶۷/۲۶۸	۸/۱۶۸	۳۳/۶۳۴
اقتصادی	۰/۰۰۰	۳۲۳۰/۲۳۰	۱۱۰۹/۳۷۵	۱۰/۳۵۳	۵۵۴/۶۷۸
اجتماعی	۰/۰۰۰	۱۳۳۹۰/۰۱۱	۲۱۷۰/۰۵۳	۴۲/۹۱۷	۱۰۸۵/۰۲۶
کل ابعاد	۰/۰۰۰	۴۹۲۶۶/۹۶۷	۲۹۱۳۲/۶۹۷	۱۵۷/۹۰۷	۱۴۵۶۵/۳۸۴

بر اساس آزمون توکی، همان‌گونه که جدول ۷ نشان می‌دهد، به لحاظ کیفیت زندگی در ابعاد کالبدی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی به ترتیب روستاهای نمونه به ۳، ۲، ۳ و ۳ طبقه تقسیم شده‌اند. با در نظر گرفتن تمامی ابعاد کیفیت زندگی، نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که روستاهای دهستان بخش مرکزی شهرستان دلفان را می‌توان بر اساس متغیر مکانی در سه طبقه گروه‌بندی کرد:

روستاهای دشتی در طبقه ۱ جای دارند که روستاهای بالاترین سطح کیفیت زندگی‌اند؛ روستاهای کوه‌پایه‌ای در طبقه ۲ قرار دارند، که بینابینی و متوسط‌اند، و روستاهای کوهستانی در طبقه ۳ با کمترین سطح کیفیت زندگی و رضایتمندی قرار گرفته‌اند.

جدول ۷. سطح‌بندی روستاهای نمونه بر اساس مؤلفه‌های کیفیت زندگی و موقعیت آنها

روستا	معناداری طبقات در سطح الفا ۰/۰۵														
	کیفیت کالبدی			کیفیت محیطی			کیفیت اقتصادی			کیفیت اجتماعی			کیفیت کل		
	۱	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۲	۳
دشتی			۴۴/۳۶			۱۷/۴۶			۲۰/۳۵			۶۰/۷۸			۱۴۲/۹۷
کوهپایه‌ای		۴۲/۱۷			۱۶/۵۲			۱۸/۷۳			۵۷/۹۴			۱۳۵/۳۳	
کوهستانی					۳۱/۳۳			۱۶/۴۶			۱۵/۰۸			۵۳/۴۳	۱۱۶/۰۲



شکل ۳. سطح‌بندی کیفیت زندگی روستاهای بخش مرکزی شهرستان دلفان بر اساس موقعیت مکانی

همان‌گونه که جدول ۸ نشان می‌دهد، می‌توان پذیرفت که در روستاهای مرکزی شهرستان دلفان در تمام ابعاد کیفیت زندگی براساس فاصله تا مرکز شهرستان، صرف‌نظر از بعد اقتصادی که شرایط مشابهی میان روستاهای نمونه حاکم است، در دیگر ابعاد کالبدی، محیطی، اجتماعی و کل ابعاد تفاوت معناداری را می‌توان مشاهده کرد.

جدول ۸. تحلیل واریانس تفاوت ابعاد کیفیت زندگی میان روستاها بر اساس فاصله

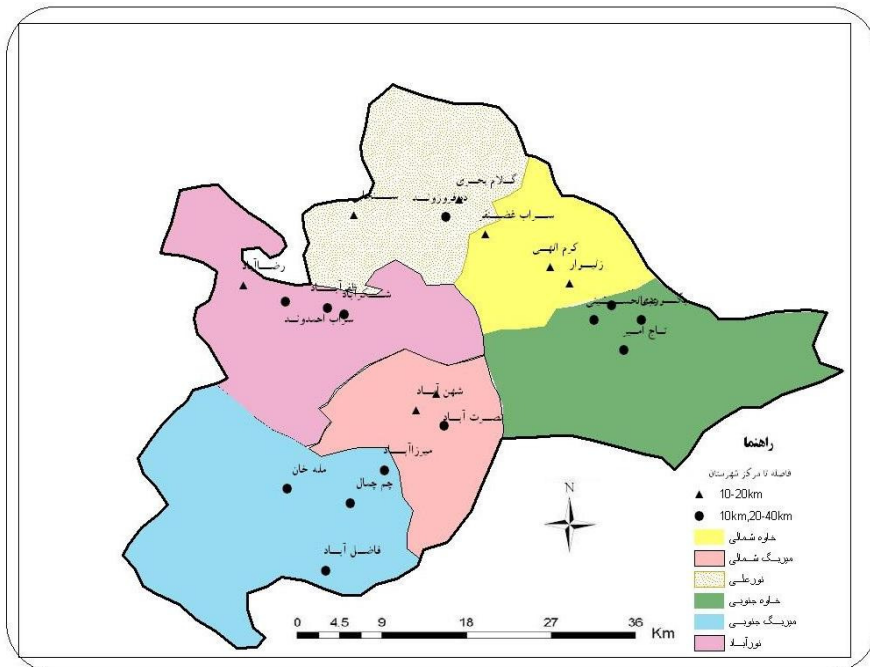
میانگین مجذورات		جمع مجذورات		سطح معناداری	ابعاد
بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی		
۱۰۷۶/۶۵۳	۴۱/۱۹۴	۳۲۲۹/۹۵۸	۱۲۸۱۱/۴۵۸	۰/۰۰۰	کالبدی
۷۸/۹۴۹	۷/۶۴۹	۲۳۶/۸۴۷	۲۳۷۸/۸۱۷	۰/۰۰۰	محیطی
۲۲/۴۶۲	۱۳/۷۳۷	۶۷/۳۸۵	۴۲۷۲/۲۰۳	۰/۱۸۱	اقتصادی
۵۸۸/۳۹۱	۴۴/۳۷۵	۱۷۶۵/۱۷۲	۱۳۷۹۴/۸۹۲	۰/۰۰۰	اجتماعی
۴۳۸۱/۱۴۱	۲۰۹/۸۲۷	۱۳۴۳/۴۲۲	۶۵۲۶۵/۲۴۲	۰/۰۰۰	کل ابعاد

براساس آزمون توکی، همان‌گونه که جدول ۹ نشان می‌دهد، به لحاظ کیفیت زندگی در ابعاد کالبدی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی به ترتیب روستاهای نمونه به ۳، ۲، ۱ و ۲ طبقه تقسیم شده‌اند. اما با در نظر گرفتن تمامی ابعاد کیفیت زندگی، نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که روستاهای دهستان بخش مرکزی شهرستان دلفان را می‌توان براساس متغیر فاصله تا مرکز شهرستان در ۲ طبقه گروه‌بندی کرد:

۱. روستاهایی که در فاصله بین ۱-۲۰ کیلومتر از مرکز شهرستان واقع شده‌اند در طبقه ۱ با بالاترین سطح کیفیت زندگی؛ و
۲. روستاهایی که در فاصله کمتر از ۱۰ کیلومتر، ۲۱-۳۰ کیلومتر و ۳۱-۴۰ کیلومتر از مرکز شهرستان واقع شده‌اند، در طبقه ۲ با کمترین سطح کیفیت زندگی و رضایتمندی قرار گرفته‌اند.

جدول ۹. سطح‌بندی روستاهای نمونه بر اساس مؤلفه‌های کیفیت زندگی و فاصله آنها تا مرکز شهرستان

معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵										روستا
کیفیت کل		کیفیت اجتماعی		کیفیت اقتصادی	کیفیت محیطی		کیفیت کالبدی			
۲	۱	۲	۱	۱	۲	۱	۳	۲	۱	
	۱۴۲/۷۹		۶۱/۱۵	۱۹/۲۲		۱۷/۵۸			۴۴/۸۲	۲۰-۱۱ کیلومتر
۱۲۹/۲۸		۵۶/۲۶		۱۸/۱۱		۱۷/۴۵		۴۰/۲۶		کمتر از ۱۰ کیلومتر
۱۲۹/۶۴		۵۶/۶۱		۱۸/۴۳		۱۶/۴۰	۳۸/۲۰			۳۰-۲۱ کیلومتر
۱۲۹/۴۱		۵۵/۷۷		۱۸/۲۳	۱۵/۳۳		۳۷/۴۶			۴۰-۳۱ کیلومتر



شکل ۴. سطح‌بندی کیفیت زندگی روستاهای بخش مرکزی شهرستان دلفان بر اساس بعد فاصله

نتیجه‌گیری

در مطالعات مرتبط با کیفیت زندگی، ابعاد مختلفی اهمیت می‌یابند. مفهوم کیفیت زندگی دارای ابعاد فیزیکی، اجتماعی، روان‌شناختی، محیطی و اقتصادی است. به عنوان مثال در بعد فیزیکی، ابعاد جسمانی انسان - مانند قدرت، انرژی، توانایی برای انجام فعالیت‌های روزمره و خودمراقبتی - و علائم بیماری همچون درد، مورد تفسیر و سنجش قرار می‌گیرند. در بعد اجتماعی نیز احساس بهتر بودن، کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع تبیین می‌شود. با این نگرش تحقیق حاضر با هدف سنجش رضایتمندی کیفیت زندگی در نواحی روستایی از دید جامعه نمونه صورت گرفته است که ۶۸ گویه در قالب ۴ بعد اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی طراحی و مورد آزمون قرار گرفت. از نتایج به دست آمده می‌توان استنباط کرد که بخش مرکزی شهرستان دلفان در این زمینه با چالش‌های اساسی مواجه است. تحلیل دیدگاه ساکنان روستاهای بخش مرکزی شهرستان از طریق آزمون T تک‌نمونه‌ای، نشان می‌دهد که از بین ۸ مؤلفه اصلی مؤثر بر کیفیت زندگی، آموزش، سلامت و امنیت، اشتغال و درآمد، زیرساخت‌ها، و نیز کیفیت محیطی، محیط مسکونی و اوقات فراغت تعیین‌شده جز در یک معیار کیفیت تعامل و همبستگی که بالاتر از متوسط تعیین شده، بقیه موارد کمتر از متوسط بوده است. یافته‌ها و مطالعات میدانی نشان از آن دارند که کیفیت آموزش به دلیل وجود مدارس دارای بافت فیزیکی فرسوده، و حداقل تسهیلات لازم آموزشی - از جمله آزمایشگاه و سایر تجهیزات - بسیار پایین ارزیابی شده است.

همچنین یافته‌های توصیفی و مطالعات میدانی مشخص می‌سازند که کیفیت محیط مسکونی در جامعه نمونه به دلیل وجود بافت قدیمی و فرسوده مسکن‌ها و نیز فقدان تسهیلات مناسب از جمله سرویس‌های بهداشتی، سیستم گرمایشی - سرمایشی و حمام، پایین بودن کیفیت واحدهای مسکونی به لحاظ شکل و فرم و زیبایی معماری در سطح پایین قرار دارد.

افزون بر اینها، یافته‌های تحقیق مبین پایین بودن سطح کیفیت اشتغال و درآمد است، به طوری که بیشتر جامعه نمونه به دلیل پایین بودن درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی، عدم توانایی دسترسی به وسایل مکانیزاسیون - و در نتیجه، پایین بودن راندمان تولید در واحد

سطح- و عدم بهره‌گیری مناسب از خدمات اعتباری برای انجام فعالیت‌های کشاورزی، و نارضایتی از نوع شغل به خاطر وجود مشکلاتی که در طول یکسال کاری با آن مواجه بوده‌اند، و در نهایت درآمد و پس‌انداز ناچیزی را عاید آنها می‌سازد، احساس نارضایتی می‌کنند و به آینده و پیشرفت شغلی‌شان امیدوار نیستند.

دیگر اینکه یافته‌های توصیفی نشان از آن دارند که کیفیت محیطی در سطح روستاهای مورد مطالعه بسیار پایین است، به گونه‌ای که در تمامی روستاهای مورد مطالعه- حتی مرکز دهستان‌ها - روش‌های جمع‌آوری زباله یا جایگاه دفن زباله و فضولات حیوانی وجود ندارند و در فصل زمستان منجر به بروز مشکلات متعددی برای ساکنان روستاهای مورد مطالعه می‌شود. کیفیت زیرساخت‌ها نیز در روستاهای مورد مطالعه به دلیل عدم دسترسی به راه ارتباطی مناسب، عدم دسترسی به وسایل حمل‌ونقل عمومی برای رفت‌وآمد بین شهر و روستا، نارضایتی از کیفیت آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، عدم رضایت از جایگاه توزیع مواد سوختی، در سطح پایینی ارزیابی شده است. اما در مقابل، از میان مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی، فقط کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی به دلیل روابط صمیمانه میان اعضای خانواده‌ها، روابط صمیمانه میان همسایگان، پایبندی به آداب و رسوم، شرکت ساکنان در مراسم عزاداری و شادی، بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده است.

دیگر یافته‌های تحقیق، بیانگر آن‌اند که موقعیت مکانی طبیعی سکونتگاه‌ها در ارتقای کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان مؤثر است، به طوری که یافته‌های مستخرج از آزمون توکی مبنی بر تأثیرپذیری کیفیت زندگی از وضعیت طبیعی روستاهاست، به گونه‌ای که در همه مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی (کیفیت کالبدی، کیفیت محیطی، کیفیت اجتماعی) روستاهای دشتی بالاترین میزان رضایتمندی را در میان ساکنان داشته‌اند. سپس روستاهای کوهپایه‌ای بعد از روستاهای دشتی به لحاظ رضایتمندی در طبقه ۲ قرار گرفته‌اند؛ و در طبقه ۳ نیز روستاهای کوهستانی با پایین‌ترین رضایتمندی جای دارند. می‌توان گفت روستاهایی که دارای موقعیت دشتی هستند، به لحاظ موقعیت مناسب طبیعی و بهره‌مندی مناسب از زیرساخت‌ها و خدماتی مانند راه ارتباطی مناسب، دسترسی مناسب به وسایل

حمل‌ونقل، آب، برق، دارا بودن زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و در نتیجه درآمد نسبتاً مناسب برای کفاف و تأمین هزینه‌های زندگی و نیازهای اولیه، مناسب بودن واحدهای مسکونی به لحاظ بهره‌مندی از تسهیلات و نوساز بودن، رضایتمندی بیشتری را برای ساکنان آنها در قیاس با روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی ایجاد کرده‌اند.

به‌علاوه، یافته‌های تحقیق مشخص می‌سازند که بُعد فاصله نیز بر کیفیت زندگی مؤثرند؛ اما به گونه‌ای که در جدول ۹ دیده می‌شود، روستاهایی که در فاصله ۲۰-۱۱ کیلومتری از مرکز شهرستان قرار گرفته‌اند از لحاظ مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی - مانند کیفیت کالبدی، اجتماعی و در نهایت کل ابعاد کیفیت زندگی - وضعیت مناسب‌تری در مقایسه با روستاهایی که در فاصله ۳۰-۲۱ و ۴۰-۳۱ کیلومتری و حتی روستاهایی که در فاصله کمتر ۱۰ کیلومتری واقع‌اند، دارند. به عنوان مثال، در این فاصله (۲۰-۱۰ کیلومتر) دهستان‌های خاوه شمالی و خاوه جنوبی با موقعیت دشتی قرار گرفته‌اند که وضعیتی مناسب‌تر از روستاهای دیگر شهرستان دارند. لیکن به لحاظ مؤلفه کیفیت اقتصادی، همان‌گونه که جدول ۹ نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد که بُعد فاصله تأثیری بر تفاوت نگرش ساکنان در زمینه رضایتمندی از این مؤلفه نداشته است، به گونه‌ای که تمام روستاهای منطقه مورد مطالعه از فاصله ۱۱ تا ۴۰ کیلومتر در یک رده قرار گرفته‌اند.

منابع

افتخاری، عبدالرضا، ۱۳۸۶، نظریه‌های برنامه‌ریزی روستایی، (جزوه کلاسی)، گروه جغرافیا و سنجش از دور دانشگاه تربیت مدرس.

امیدی، رضا، ۱۳۸۶، کیفیت زندگی در برنامه‌های توسعه در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی تهران.

خوارزمی، شهین‌دخت، ۱۳۸۳، کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران، روزنامه دنیای اقتصاد.

رضوانی، محمدرضا و حسین منصوریان، ۱۳۸۷، *سنجش کیفیت زندگی با بررسی شاخص‌ها و مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی*، فصلنامه روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷.

غفاری، غلامرضا و عادل لویه ابراهیمی، ۱۳۸۴، *جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی*، انتشارات دانشگاه تهران.

فیتربتریک، تونی، ۱۳۸۵، *نظریه‌های جدید رفاه*، ترجمه هرمز همایون‌پور، انتشارات مؤسسه پژوهش تأمین اجتماعی تهران.

کرد زنگنه، جعفر، ۱۳۸۱، *بررسی کیفیت زندگی مرتبط با سالمندان و عوامل مؤثر بر آن*، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی تهران.

کوکبی، افشین، ۱۳۸۴، *برنامه‌ریزی کیفیت زندگی در مراکز شهری: تعاریف و شاخص‌ها*، جستارهای شهرسازی، شماره ۵.

هی وود، اندرو، ۱۳۷۹، *مقدمه نظریه سیاسی*، ترجمه عبدالرحمن عالم، انتشارات قومس.

Allen, John, Voget, Rebecca and Cordes, Sam, 2002, **Quality of Life in Rural Nebraska: Trends and Changes**, Institute of agriculture and natural resoures.

Auh, S., 2005, **An Investigation of the Relationships between Quality of Life and Residential Environments among Rural Families**, A dissertation submitted to the graduate faculty in partial of the requirements of degree of Doctor of philosophy.

Bullock, S.J.R., 2004, **An Analysis of Technology Quality of Life in Rural West Texas Community**, A dissertation in Agricultural Education Submitted to the Graduate faculty of Texas Tech University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Education.

kamp Irene van, Leidelmeijer Kees, Marsman Gooitske and Hollander Augustinus de, 2003, **Urban Environmental Quality and Human Well-being towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts, A Literature Study: Landscape and Urban planning**, 65, PP. 5-18.

Massam, B.H, 2002, **Quality of Life Public Planning and Private Living**, Progress in Planning, Vol. 58, PP. 141-227.

Pacione, M., 2003, **Urban Environmental Quality and Human Wellbeing** – a social geographical perspective, Landscape and Urban Planning, P. 65.

Pal, A.K., Kumar, U.C, 2005, **Quality of Life Concept for the Evaluation of Societal Development of Rural Community in West Bangal, India**, Rural Development, Vol. xv.

Philips, D., 2006, **Quality of Life Concept, Policy and Practice** London, Routledge.